

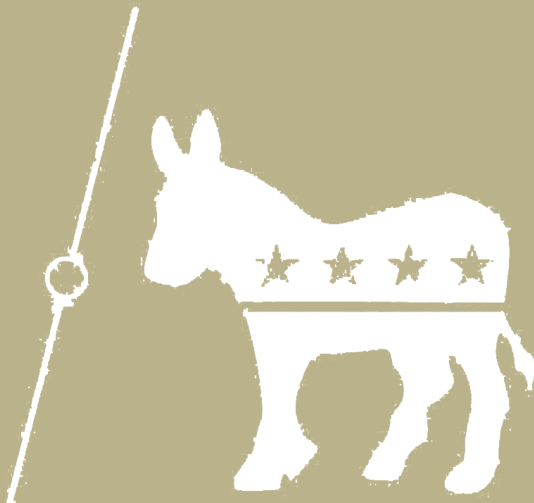
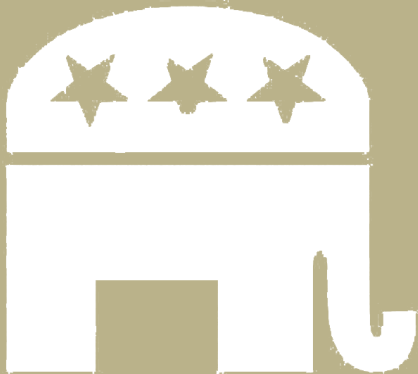
رضا دعاگوی روزبهرانی

پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا



دوقطبی سازی جامعه ایالات متحده که زمانی با نگاهی مثبت و در راستای ایجاد رقابت و نوآوری به آن نگریسته می شد، امروزه با تعمیق شکاف میان احزاب، چالش های گوناگونی را در عرصه های سیاسی و اجتماعی به وجود آورده است؛ به گونه ای که طرف داران هر حزب، طرف دیگر را دشمن خود تلقی می کنند و نسبت به تفکرات دیگری، احساس تنفر می نمایند؛ بنابراین رادیکالیسم سیاسی در حال تبدیل شدن به یک هنجار جدید در الگوی زندگی آمریکایی است.

ایالات متحده آمریکا دوقطبی سیاسی جامعه در



چندمذهبی - هویت ملی به شدت بر قدرت نهادهای آن متکی است. وقتی این نهادها حمایت و اعتماد گسترده را از دست دهند، ملت در خطر زوال است. در شدیدترین سناریو، این وضعیت، پتانسیل تبدیل شدن به یک جنگ داخلی را دارد. همچنین یکی از نشانه‌های مشخص تغییر در ترجیحات، افزایش شدید طرفداران افکار سوسیالیستی به ویژه در بین جوانان است که تاکنون در ایالات متحده چندان محبوب واقع نشده است و آشکارا نشان دهنده تغییر نسل سیاسی در ایالات متحده است (Сергей Владимирович Бирюков and others, ۲۰۲۲: ۲۶۶/۲۷۳).

دوقطبی شدن اعتماد به نهادها

در پنجاه سال گذشته در ایالات متحده، اعتماد به بیشتر نهادهای سیاسی و غیرسیاسی آمریکا، به شدت کاهش یافته است. کاهش اعتماد تا حدی، نتیجه نارضایتی از پاسخگویی دولتی / نهادی و بدبینی هم‌زمان در مورد شایستگی و پاسخگویی نهادها است. از طرفی، کاهش اعتماد مردم، نتیجه قطبی شدن اعتماد به نهادها است؛ زیرا جمهوری خواهان به تجارت، پلیس، مذهب و ارتش، بسیار بیشتر از دموکرات‌ها اعتماد دارند و این در حالی است که اعتماد دموکرات‌ها به این نهادها به جز ارتش، کاهش یافته است.

بحران سیستمی در ایالات متحده برای مدت طولانی خود را نشان داده است؛ تقریباً از آغاز قرن بیست و یکم، زمانی که دو حزب پیشرو - دموکرات و جمهوری خواه - برنامه‌هایی نزدیک به یکدیگر داشتند، به صورت تدریجی شروع به فاصله گرفتن کردند و به سؤالات مشابه رأی دهندگان، پاسخ‌های متفاوتی ارائه می‌دادند. این امر منجر به اختلالات جدی در سیستم سیاسی ایالات متحده شد که به شدت توانایی آن را برای پاسخگویی مناسب و به موقع به مشکلات سیاست داخلی و خارجی که جامعه آمریکا پس از بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ به شدت با آن روبه رو شد، کاهش داد.

در دوره‌های اخیر، وضعیت به گونه‌ای شده است که پس از تغییر هر رئیس جمهور، برنامه‌های حزب مخالف لغو می‌شوند و در نتیجه، رأی دهندگان هر دو حزب از نامزدهایی که قرار است از آنها حمایت کنند، ناامید می‌شوند. تقویت راست و چپ افراطی، طیف سیاسی ایالات متحده و تضعیف هم‌زمان نیروهای میانه‌رو، دوقطبی شدن عمومی را تشدید می‌کند؛ بنابراین رادیکالیسم سیاسی در حال تبدیل شدن به یک هنجار جدید در زندگی سیاسی آمریکا است.

یکی از نشانه‌های مهم یک جامعه تقسیم شده، بی‌اعتمادی متقابل است. از طرفی در یک جامعه پیچیده - چندنژادی، چندقومیتی،

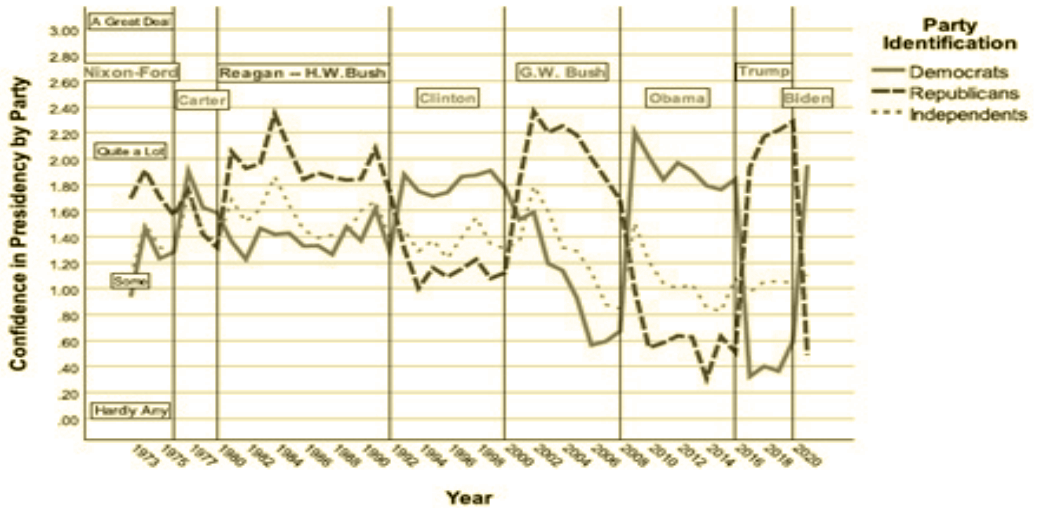
نشان می‌دهد که چندین نکته مهم از آن قابل برداشت است: اول همیشه در هر دوره، کسانی که بیشترین اعتماد را به دولت دارند، همان طرف‌داران حزب رئیس‌جمهور هستند؛ برای مثال وقتی یک رئیس‌جمهور از حزب جمهوری خواه وجود دارد، جمهوری خواهان، بیشترین اعتماد را به آن دولت و اقداماتش دارند و وقتی یک رئیس‌جمهور دموکرات بر مسند قدرت قرار گیرد، دموکرات‌ها بیشترین اعتماد را به آن خواهند داشت؛ بنابراین اعتماد طرف‌داران حزب رئیس‌جمهور بیش از هر چیز به حزب‌گرایی آنها بستگی دارد که در طول زمان، کمابیش ثابت می‌ماند.

نکته دوم این است که پایین‌ترین سطح اعتماد برای احزاب برون حزبی است؛ آن‌هایی که در حزب مخالف رئیس‌جمهور هستند؛ برای مثال جمهوری خواهان، کمترین اعتمادی به اوباما نداشتند و دموکرات‌ها نیز به سختی به ترامپ اعتماد داشتند. سوم اینکه اعتماد افراد بی‌طرف یا بدون حزب، به‌مرور زمان کاهش یافته است. این کاهش اعتماد در میان طرف‌داران حزب مخالف و بی‌طرف‌ها سبب شده است که اعتماد به ریاست‌جمهوری به‌طور کلی در سال‌های اخیر کاهش یابد (Henry E. Brady & Thomas B. Kent, ۲۰۲۳: ۵۰). در میان نهادهای غیرسیاسی، نهاد تجارت و نیروی کار در دهه ۱۹۷۰ دوقطبی قابل

به نوبه خود، دموکرات‌ها به کارگران، مطبوعات، علوم، آموزش عالی و مدارس دولتی بسیار بیشتر از جمهوری خواهان اعتماد دارند. این کاهش اعتماد و دوقطبی شدن اعتماد به نهادهای مختلف ممکن است در دوقطبی شدن سیاسی ناشی از افزایش نابرابری درآمد و جداسازی در آمریکا قابل ردیابی باشد. با قطبی شدن و کاهش اعتماد به نهادها، مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر، حفظ ایمان به پلیس و مقابله با مشکلاتی مانند تغییرات آب‌وهوایی دشوارتر می‌شود (Henry E. Brady & Thomas B. Kent, ۲۰۲۳: ۴۳).

قطب‌بندی نهادهای سیاسی و غیرسیاسی علاوه بر کاهش قابل توجه اعتماد به نهادها، افزایش قابل توجهی در قطب‌بندی حزبی در بحث اعتماد وجود داشته است که در آن، اعضای یک حزب نسبت به طرف‌داران حزب دیگر، به یک نهاد خاص اعتماد بیشتری دارند، تنها به این دلیل که آن نهاد را اداره می‌کنند. در میان نهادهای سیاسی، قطبی شدن بستگی به این دارد که کدام حزب در یک دوره خاص، کنترل نهاد را در دست دارد؛ به همین دلیل، انتخابات دوره‌ای برای ریاست‌جمهوری و قوه مجریه بسیار تعیین‌کننده بود.

نمودار زیر اعتماد گروه‌های حزبی به رئیس‌جمهور را از سال ۱۹۷۳ تا کنون

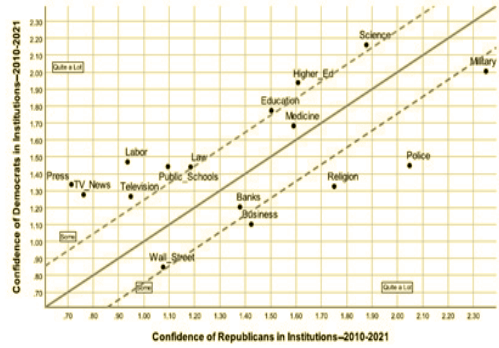
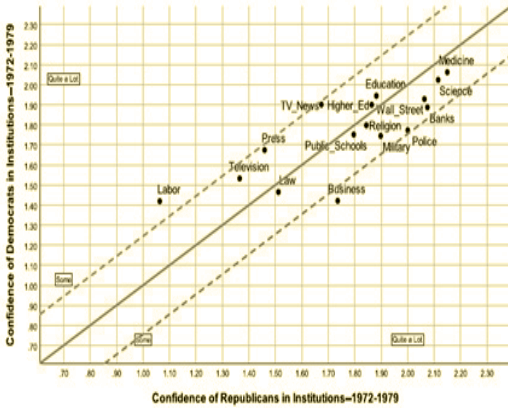


Source: Authors' data and calculations from pooled Gallup Polls, Harris Polls, and General Social Surveys.

اخبار تلویزیون، ۴۶٪ مطبوعات، ۴۴٪ بیشتر برای کارگران، ۳۷٪ بیشتر تلویزیون، ۲۸٪ بیشتر برای مدارس دولتی، ۱۹٪ آموزش عالی، ۱۶٪ بیشتر برای آموزش و ۱۴٪ بیشتر برای علوم. جمهوری خواهان بیش از دموکرات‌ها به اجرای هنجارها و تجارت اعتماد دارند؛ ۳۸٪ بیشتر برای پلیس، ۳۰٪ بیشتر برای مذهب، ۲۷٪ تجارت، ۲۵٪ بیشتر برای وال استریت و ۱۳٪ بیشتر برای ارتش (Henry E. Brady & Thomas B. Kent, ۲۰۲۳: ۵۳).

اشاعه قطب‌بندی‌های حزبی به جامعه دوقطبی شدن اعتماد احزاب به نهادهای سیاسی و غیرسیاسی بر اساس تاریخ طولانی نبردهای حزبی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان و شناسایی رؤسای

توجهی را نشان دادند؛ به طوری که اعتماد جمهوری خواهان به تجارت حدود ۲۱٪ بیشتر از دموکرات‌ها و دموکرات‌ها به کار، حدود ۲۸٪ بیشتر از جمهوری خواهان بود. اعتماد جمهوری خواهان به کسب و کار بسیار بیشتر از دموکرات‌ها و اعتماد دموکرات‌ها به نیروی کار بسیار بیشتر از جمهوری خواهان بوده است. علاوه بر این، چندین نهاد دیگر از جمله اخبار، تلویزیون و مطبوعات، بیشتر مورد اعتماد دموکرات‌ها بودند تا جمهوری خواهان. از سوی دیگر، پلیس و بانک‌ها اندکی بیشتر مورد اعتماد جمهوری خواهان بودند تا دموکرات‌ها. اعتماد دموکرات‌ها به نهادهای تولید دانش و اطلاعات و نیروی کار سازمان یافته، بیشتر از جمهوری خواهان است؛ ۵۴٪ بیشتر برای



Source (Figures 8 and 9): Authors' data and calculations from pooled Gallup Polls, Harris Polls, and General Social Surveys.

شایسته‌ای انجام می‌دهند اما اعتقاد دموکرات‌ها بر این است که کارگران، مطبوعات، علم و آموزش عالی کار خوبی انجام می‌دهند و جمهوری خواهان کمتر متقاعد شده‌اند. ظهور یک بُعد اجتماعی/فرهنگی جدید در آمریکا، علاوه بر شکاف اقتصادی از قبل موجود در نیودیل، نشان می‌دهد که چگونه قطبی‌سازی می‌توانست فراتر از تجارت و نیروی کار به نهادهای دیگر برود و بسیاری از نهادهای غیرسیاسی را در بحث‌های اساسی سیاسی دخالت دهد که بیشتر با نگرانی‌هایی در مورد نابرابری و شکاف طبقاتی تشدید می‌شود. مسائلی مانند سقط جنین، نماز در مدرسه، ازدواج همجنس‌گرایان، برابری نژادی، حقوق اسلحه، سیاست زبان و مهاجرت، بیشتر

جمهور با احزاب سیاسی است. آمریکایی‌ها در باورهایشان در مورد اینکه آیا مؤسسات کار مهمی انجام می‌دهند یا خیر، متفاوت هستند. جمهوری خواهان معتقد هستند که پلیس، ارتش و مذهب، کارهای مهمی انجام می‌دهند اما دموکرات‌ها کمتر به این مسئله اعتقاد دارند. از طرفی دموکرات‌ها معتقد هستند که کارگران، مطبوعات و آموزش عالی، کارهای مهمی انجام می‌دهند اما جمهوری خواهان کمتر مطمئن هستند. بیشتر جمهوری خواهان فکر می‌کنند که نیروی کار، مطبوعات، علم و آموزش عالی، هزینه زیادی دارند و در مقابل، دموکرات‌ها فکر می‌کنند که ارتش، پلیس و مذهب هزینه زیادی دارند. جمهوری خواهان فکر می‌کنند که ارتش، پلیس و مذهب، کار خوب و

Henry E. Brady & Thomas B. Kent)
(۲۰۲۳: ۵۸).

سرمایه‌داری عامل دوقطبی‌سازی

در جامعه ایالات متحده قطب‌بندی سیاسی عامل اصلی قطب‌بندی اجتماعی است؛ زیرا دولت در مرکزیت جامعه قرار دارد. افزایش قطبی‌شدن سیاسی به‌عنوان یک شاخص افزایش قطبی‌شدن اجتماعی از طریق تضاد بین ایدئولوژی‌های سیاسی و شهروندان با استفاده از روش‌های مرسوم برای تأثیرگذاری بر جامعه عمل می‌کند. از طرفی در ایالات متحده به نظر می‌رسد قطبی‌شدن بیشتر از ارزش اجتماعی ثروت ناشی می‌شود؛ زیرا ثروت برای به دست آوردن فرصت‌های زندگی از جمله بقا، ضروری است.

طبقات بالا، عناصر ساختار اجتماعی را با ثروت خود کنترل می‌کنند و آن را به نفع خود شکل می‌دهند که منجر به نابرابری‌هایی مانند آموزش در بین گروه‌های نژادی می‌شود. در این میان، دولت نیز نمی‌تواند نماینده اکثریت باشد و بنابراین به نفع ثروتمندان عمل می‌کند؛ بنابراین در این میان، سرمایه‌داری، نقش اساسی در ایجاد و گسترش قطب‌بندی ایفا می‌کند؛ به عبارتی، افزایش نابرابری در درآمد به طور مثبت با افزایش آماری در قطب‌بندی سیاسی همبستگی دارد (Kanter, ۲۰۲۲: ۵۵).

شامل نهادهای تولیدکننده دانش و اطلاعات (مطبوعات، اخبار تلویزیون، علم، آموزش عالی، مدارس دولتی و آموزش و پرورش) و نهادهای مجری هنجارها (پلیس، دین و ارتش) در جناح‌های مختلف، از بحث‌هایی درباره این موضوعات هستند که به تازگی با سیاسی‌شدن مسئله کووید، پزشکی را نیز درگیر کرد.

امروزه جمهوری خواهان نمی‌خواهند خویشاوندان یا دوستانشان با کسانی که در روزنامه‌نگاری یا تحصیلات عالی هستند، ارتباط نزدیک داشته باشند. دموکرات‌ها نیز علاقه ندارند که خویشاوندان یا دوستانشان با افراد پلیس، ارتش یا نهادهای مذهبی ارتباط نزدیک داشته باشند. این‌ها اثراتی قابل توجه هستند؛ برای مثال، جمهوری خواهان بیشتر نگران درگیرشدن خویشاوندان یا دوستان خود با یک روزنامه‌نگار هستند تا اینکه یک پسر همجنس‌گرا یا یک ملحد.

این نتایج نشان می‌دهد که تأثیر بی‌اعتمادی نهادی عمیق است. یکی از دلایل قطبی‌شدن این است که بسیاری از این موضوعات بحث‌برانگیز که در پنجاه سال گذشته به وجود آمده‌اند، ریشه در هویت‌های مرتبط با ویژگی‌هایی مانند مذهب، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت و گرایش جنسی دارند. همچنین سازش بر سر مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی کاهش یافته است

Травкина, Н. М. (۲۰۲۲). Ноябрьские выборы ۲۰۲۲ г. в США: возвращение к истокам американского демократического эксперимента. Перспективы. Электронный журнал, (۴ (۳۱)), ۷۹-۶۲.

Бирюков, С. В., Чирун, С. Н., & Кожевников, В. В. (۲۰۲۲). США: выборы ۲۰۲۰- в контексте системного внутривнутриполитического кризиса. Вестник Томского государственного университета. Философия. Социология. Политология, (۲۷۷-۲۶۴), (۶۵).

Kanter, R. J. (۲۰۲۲). Why is Social Polarization Observed in American Society? Retrieved from https://purl.lib.fsu.edu/diginole/honors_thesis_submission-a1a1۴۷fe۴۲-۱۲۶۳-e-1a1cb۱۱۹۱-bf۹eb۰۶۸

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ و هم انتخابات میان دوره‌ای ۲۰۲۲ نشان دهنده تبدیل شتابان نظام سیاسی دموکراتیک آمریکا به نوعی الیگارشی (حکومت تعداد کمی از ثروتمندان) قرن بیست و یکمی هستند. با این حال، در شرایط دو قطبی شدن فزاینده و تبدیل دموکراسی آمریکایی به الیگارشی، فرسایش پیش رونده طبقه متوسط و به دنبال آن، تشکیل قطب ثروت و مناطق فقر نسبی و مطلق روبه افزایش است (Травкина, ۲۰۲۲: ۷۶).

همه این نشانه‌ها بیانگر آن هستند که بحران نظام سیاسی و حزبی آمریکا در آینده نزدیک ادامه خواهد داشت و نه تنها زمان اولین دوره ریاست جمهوری جو بایدن آغاز شده است بلکه کل دهه (۲۰۲۰-۲۰۳۰) را در بر خواهد گرفت. با این حال انتخابات ریاست جمهوری آینده (۲۰۲۴) نیز به سبک تقابلی برگزار خواهد شد و به تعمیق شکاف در جامعه آمریکا کمک خواهد کرد. (Сергей Владимирович Бирюков and others, ۲۰۲۲: ۲۷۳)

منابع

Brady, H. E., & Kent, T. B. (۲۰۲۳). Fifty years of declining confidence & increasing polarization in trust in American institutions. *Dædalus*, ۶۶-۴۳, (۴) ۱۵۱.